

امروز شما

بر شما غلبه کند.

مهر



فروردین



روز خوبی را آغاز کرده‌اید و احساس سلامت و شادی می‌کنید، این احساس را به فال نیک بگیریید و موفقیت‌های خود را تضمین کنید. قرار بود دست همسر یا شریک زندگی‌تان را بگیریید و مهمانی بروید یا بعد از ظهر را در بیرون از منزل سهری کنید، اما امروز کارهای زیادی برای انجام دارید و بهتر است این قرارها را به آینده موکول کنید.

اردیبهشت



انسان خیال‌پردازی هستید و در طول عمری که از خدا گرفته‌اید حتماً به این نتیجه رسیده‌اید که با خیال‌پردازی راه به‌جایی نمی‌برید. امروز زمان خوبی است که به‌جای غرق شدن در رؤیای زندگی را با تمام واقعیت‌هایش در آغوش بگیریید. تا خرخره زیر قرض فرورفته‌اید و با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنید، امروز از جایی که حتی فکرش را نمی‌کنید پول خوبی فراهم می‌شود.

خرداد



امروز روز شما است و چشم‌انتظار خبر بسیار فرخنده‌ای باشید. به لحاظ مالی نیز هیچ روزی بهتر از امروز برای سرمایه‌گذاری نیست و سرمایه‌گذاری‌های امروز شما، سود هنگفتی را در درازمدت نصیب‌تان خواهد کرد. با فردی دنیا دیده‌مهم ملاقات خواهید کرد.

تیر



روز پر از اضطرابی را در پیش‌رو دارید و اگر به دنبال آرامش می‌گردید وقت خاصی را برای بازی با فرزندان یا بچه‌های فامیل و آشنایان کنار بگذارید، تجربه ثابت کرده است که بازی با کودکان تأثیر زیادی در کاهش اضطراب و نگرانی دارد.

مرداد



انسان مردم‌داری هستید و این روحیه باعث شده تا افراد را جذب خود کنید، اما بعضی‌ها چشم دیدن محبوبیت شما را ندارند. تنها راه برای مقابله با این افراد، دوری جستن از آنها است، امروز روز خوبی برای کاروکاسبی نیست.

شهریور



امروز از آن روزها است که اصلاً حوصله بلند شدن از رختخواب را ندارید و به‌رغم اینکه کار دشواری انجام ن داده‌اید، حساسی خسته و کوفته‌اید. اجازه ندهید این احساس



اگر به کیش بروید، می‌توانید سری هم به کانفیروشی رضا فیاضی بزنید که از دو سال و اندی قبل راه‌اندازی کرده است.

او در کنار داشتن کانفیروشی که گاهی خودش سری به آن می‌زند، تدریس بازیگری هم انجام می‌دهد. ضمن این‌که کتاب هم در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در رده سنی کودکان و نوجوانان می‌نویسد و در حال حاضر دو کتاب نوشته که در وزارت ارشاد در انتظار گرفتن مجوز هست.

فیاضی هرازگاهی برای بازی هم به تهران می‌آید و تئاتر، تله‌فیلم و سریال هم‌بازی می‌کند. البته این هنرمند از آن دست بازیگران است که فقط خودش را به بازی در دنیای بزرگسالان محدود نکرده است، بلکه به دنیای کودکان و نوجوان هم ورود پیدا کرده است. به همین دلیل وقتی مخاطبان نام او را می‌شنوند ناخودآگاه به یاد هر دو گونه کارهای این بازیگر می‌افتند. این هنرمند تا به امروز نقش‌های متفاوت و خوش آب و رنگی را در کارنامه هنری‌اش به ثبت رسانده است.

اگر از بینندگان تلویزیون این سؤال را بپرسند که کدام‌یک از نقش‌های رضا فیاضی را به خاطر می‌آورید، ناخودآگاه اکثر مردم از نقش‌های تاریخی این هنرمند در سریال‌هایی همچون امیرکبیر که نقش سفیر روس را به عهده داشت تا معمای شاه که نقش وینستون چرچیل و ... را ایفا می‌کرد، نام می‌برند تا کارهایی که در حوزه کودک تولید می‌شد همچون قصه‌های تابه‌تا اشاره خواهند کرد. البته به گفته رضا فیاضی، طول نقش برایش از اهمیت کمتری برخوردار است و بیشتر به خوش آب و رنگ بودن توجه می‌کند و این‌که نقش برایش جای کار داشته باشد. ضمن این‌که در این هنرمند همیشه برای طرفدارانش احترام قائل هست و پاسخگوی آن‌هاست. گفت‌وگو ما را با این هنرمند در ادامه بخوانید.

شما تا به امروز در سریال‌های متعدد تاریخی نقش افرادی همچون سفیر روس، چرچیل و... را بازی کرده‌اید. آیا تابه‌حال شده خواب این افراد را ببینید؟

(با خنده) نه حقیقتش برابم بامزه هست اگر هم خوابشان را ببینم. البته من در یکی از مصاحبه‌هایم گفته بودم که دیگر برای نقش‌های خارجی سراغ من نیایید. چون بس است دیگر!

چرا؟ یعنی دوست ندارید دیگر چنین نقش‌هایی را بازی کنید و داناتان می‌خواهند نقش شخصیت‌های دیگری را در سریال‌های تاریخی ایفا کنید؟

اولویت من انتخاب نقش‌های خوش آب و رنگ است. البته باید بگویم بین شخصیت‌های خارجی که تا به امروز بازی کرده‌ام، لذت چرچیل بودن را کامل نبردم.

چرا؟
چون نقشم خیلی کوتاه بود. چهارم به‌شدت در سریال معمای شاه نزدیک به چرچیل شده بود، اما نقش کوتاه باعث شد تا آن‌طور که دلم می‌خواهد از چرچیل بودن لذت نبرم و به‌قول معروف حال این نقش را نبرم.

یعنی اگر دوباره نقش چرچیل به شما پیشنهاد شود، باز هم می‌پذیرید؟

بله باز هم نقش چرچیل به من پیشنهاد شود، حتماً آن را بازی می‌کنم. **تعریف شما از نقش خوش آب و رنگ چیست که در صحبت‌هایتان به آن اشاره کردید؟**

نقش باید برابم جای کار داشته باشد. طول و درازی نقش مهم نیست. نمونه هم می‌آورم. در ابتدا سعید نیک‌پور برای سریال امیرکبیر نقش

رضا فیاضی، بازیگری که خاطرات زیادی بر ایمان ساخته است؛ دوست دارم باز هم چرچیل شوم

دوم مرد یعنی شخصیت میرزا آقاخان نوری را به من محول کرد. در جریان تمرین به آقای نیک‌پور گفتم که این نقش را دوست ندارم و به او تأکید کردم که دلم می‌خواهد سفیر روس را بازی کنم. به او گفتم که خودم را در این نقش نمی‌بینم.

اتفاقاً آقای نیک‌پور هم تعجب کرد و گفت که چطور نقش سه و چهار را به نقش دو ترجیح می‌دهم، اما من مصر بودم که بهتر هست نقش سفیر روس را ایفا کنم. در آن مقطع قرار بود شادروان محمد مطیع نقش سفیر روس را بازی کند. به‌هرحال رفتم و با او معامله کردم و گفتم بیاییم نقش‌هایمان را جابه‌جا کنیم. البته بعد که این نقش را بازی کردم آقای نیک‌پور حق را به من داد.

ضمن این‌که هنگام پخش هم عکس‌العمل‌های این نقش را در میان مردم خیلی دیدم. چون در این سریال من با لحن گفتاری خاصی حرف می‌زدم، مردم در کوچه و بازار این لحن را تقلید می‌کردند و هر زمان من را می‌دیدند با آن لحن حرف می‌زدند.

البته برای این لحن گفتار خیلی زحمت کشیدم. ساعت‌ها رو به روی سفارت شوروی سابق می‌ایستادم و افرادی که رفت‌وآمد داشتند به لحنشان توجه می‌کردم که چطور حروف را تلفظ می‌کنند. همچنین با خانم روسی آشنا شدم که در آن اطراف کانفیروشی داشت و از او آکسان‌ها را یاد گرفتم.

خودتان فکر می‌کردید نقشتان در سریال امیرکبیر تا این میزان در جامعه دیده شود و مردم از لحن گفتاری شما تقلید کنند؟

امیدوار بودم که از پس کار برمی‌آیم و مردم هم دوست داشته باشند. همان‌طور که گفتم هیچ‌وقت کوتاهی یا بلندی نقش برابم مهم نبوده است. وقتی نقشی را می‌بینم که زمینه کار کردن دارد، حتماً می‌پذیرم. **این روحیه شما جالب است. معمولاً بازیگران حاضر نیستند وقتی نقش اصلی به آنها پیشنهاد می‌شود یا نقش سه یا چهار جابه‌جا کنند؛ اما شما این کار را در سریال امیرکبیر انجام دادید. چطور به این نقطه رسیدید؟**

من هم مثل دیگر بازیگران از نقش اصلی بد نمی‌آید. هر بازیگری برایش مهم است نقشی که بازی می‌کند جای کار داشته باشد. وقتی نقش برابم جای کشف و شهود نداشته باشد، طبیعی است نمی‌توانم قبول کنم.

ویژگی‌های شخصیتی شما خیلی خاص است. مثلاً بازیگران کمتر می‌پذیرند که در کار کودک هم‌بازی کنند؛ اما شما این روحیه دوپه‌ری را دارید. از طرفی نقش‌های جدی بازی می‌کنید در کارهای متفاوت تلویزیون و از سوی دیگر هم آقای جمالی مجموعه قصه‌های تابه‌تا می‌شوید. این دوچوبی بودن به انتخاب خودتان برمی‌گردد یا تصادفی پیش آمده است؟

از ابتدای زندگی به کودکان علاقه داشتم. وقتی اهواز بودم در مدارس بازی می‌کردم و زمانی که دیلم رفتم و به تهران آمدم به‌واسطه حضور در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با خانم برومند و آقای بابک آشنا شدم و با هم همکاری داشتم.

درمجموع انتخاب خودم بوده و تصادفی پیش نیامده است، چون بچه‌ها را دوست دارم در کارهای کودک هم‌بازی می‌کنم. فقط هم در قصه‌های تابه‌تا بازی نکردم، در مدرسه موش‌ها و ... هم حضور داشتم. دنیای کودکان را خیلی بیشتر از دنیای بزرگسالان دوست دارم. برای بچه‌ها کتاب‌های زیادی نوشتم. البته برای بزرگسالان هم کتاب نوشتم، اما دغدغه‌ام کودک است، چون خودم را رفیق کودکان می‌دانم.

پس کودک درونتان زنده است؟
بله شک نکنید به این مسئله! حتی به جوانان هم کمک زیادی کرده‌ام. خیلی‌ها بودند که دستشان خالی و اولین کارشان بود، اما بااین‌حال حاضر می‌شدم در فیلم‌های کوتاه آنها بازی کنم. به‌عنوان‌مثال در یک فیلم کوتاه نقش پدری را بازی کردم که هیچ‌کس او را نمی‌دید، حتی وقتی سیبلش را می‌زند، باز هم خانواده حواسشان به او نیست. البته نام فیلم را یاد رفتم، ولی درمجموع اهل کمک کردن به جوانان هستم.

معمولاً هنرمندانی که سال‌ها تجربه بازی دارند، نمی‌پذیرند در فیلم کوتاه جوانی کار کنند که اولین تجربه کارگردانی‌اش است؟

درست است من این کار را انجام می‌دهم، ولی برخی مواقع با خودم درگیر هستم که کدام کار درست است. جالب است برخی بازیگران افه می‌آیند، اما بیشتر موردتوجه قرار می‌گیرند. ولی من یک‌بار هم خودم را توجیه نکردم که افه بیایم، اما دیده‌ام برخی برای آمدن سر

صحنه ده‌ها ساعت تأخیر دارند و بعد قربان و صدقه‌شان هم می‌روند. این در حالی است که نظم باید اصول اولیه کار ما باشد. من این تربیت را از آقایان نصیریان، زنده‌یاد انتظامی و زنده‌یاد مشایخی دارم. هیچ‌وقت ندیدم که آنها در کارشان تأخیر داشته باشند. ولی همکاران جوان زیاد این کارها را انجام می‌دهند. به یاد دارم در کاری بازی می‌کردم. دستیار کارگردان شب‌خانه بازیگر می‌خواهید تا او را بلند کند و سر صحنه می‌آورد! یا بازیگری ساعت‌ها ماشین گروه را جلوی در خانه نگه می‌داشت تا آماده شود، اما من هرگز این کارها را نکردم. حتی اگر ماشین تأخیر دارد تماس می‌گیرم که چرا هنوز نیامده است. ضمن این‌که همیشه برای مردم وقت می‌گذارم، حتی در محفلی در شیراز بودم همسرم جلوتر رفت، اما چون هنوز احوالپرسی مردم با من تمام نشده بود، نرفتم.

این‌طور که وقت می‌گذارید، ادیت نمی‌شوید؟
خب، باید هنرمند برای مردم وقت بگذارد، حتی اگر هم ادیت شود.

چرا در سال‌های اخیر در تلویزیون و سینما بازی نکردید و فقط در تئاتر بازی می‌کنید، کتاب می‌نویسید و تدریس می‌کنید؟

آخرین بار در تئاتر پدر یک‌دقیقه‌ای کار کردم که کار خوبی شد، اما خیلی ادیت شدم. ضمن این‌که ترافیک تهران ادیتم می‌کرد تا این‌که به پیشنهاد همسرم، دو سال پیش به کیش رفتم. آنجا مشغول تدریس هستم و کانفیروشی هم دارم. البته در چند فیلم بازی کردم، اما اگران نشده است.

در فیلم سبز کوچک غلامرضا رضانی نقش زیبایی هم داشتم. در آنجا یک تاجر فرش بودم که بچه‌ای را به استثمار می‌کشد. همچنین در فیلم گزارش مریم، یوسف و هور و ... هم‌بازی کردم. در تلویزیون هم چند طرح بردم، اما نپذیرفتم. حتی من و آقای قناد رفتم تا مراحل آخر، ولی به ما گفتند حامی مالی بیاریم. در سریال محکومین ۲ و چند تله فیلم هم‌بازی کردم که در نوبت پخش است.

در کیش کانفیروشی دارید که مقوله این حرفه با بازیگری متفاوت است. ضمن این‌که جزو مشاغلی هم محسوب می‌شود که سکون دارد. برایتان سخت نیست این حرفه را در کنار بازیگری انجام می‌دهید؟ البته همه جای کیش سکون هست. اگر شرایط دلخواه باشد، حتماً لذت‌بخش خواهد بود. چون من کتاب را خیلی دوست دارم، کانفیروشی را باز کردم. در ابتدا هم برخی به من انتقاد داشتند و حتی پیشنهاد مشاغل دیگر را می‌دادند، اما من کتاب را انتخاب کردم. در حال حاضر هم چند کتاب زیر چاپ دارم.

چه کتاب‌هایی؟
الو اینجا پدری به قتل رسیده است و روایت‌های زنانه، دو کتابی هستند که برای مجوز در ارشاد است. کتاب دیگری هم به‌تازگی نگارشش را تمام کردم که با محوریت داستان تاتو در مدارس نوشته‌ام که ویژه رده سنی نوجوان است.

جالب است که خیلی هم در حوزه کودک می‌نویسید؟
بله چون برآمده از دلم است.

در کانفیروشی هم حضور دارید؟
بله. اوایل حضور داشتم. استقبال مردم هم خوب است؛ اما وقتی کاری بازی می‌کنم به تهران می‌آیم. به‌عنوان نمونه در تئاتری چندی پیش بازی کردم که استقبال نشد و اجرای آن قطع شد. البته من اشکالات آن را به کارگردان گفتم، حتی تأکید کردم بهتر است کوتاه شود، ولی گوش نداد. در یک فیلم سینمایی به نام نایفه‌های کوچک هم‌بازی کردم که به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی بهروز مقصدی بود. سر این پروژه ۱۴ میلیون تومان من را ندادند و جالب است که آقای تهیه‌کننده جواب تلفن هم نمی‌دهد. نمی‌دانم واقعاً این افراد چطور پول مردم را این‌طور نمی‌دهند.

خب چرا در این پروژه بازی کردید؟
به خاطر این‌که اولین فیلمش بود و می‌خواستم به او کمک کنم. همچنین کلیبی یا محوریت مهرورزی بازی کردم که خیلی موارد را به مردم آموزش می‌دهد که اشعار زنده‌یاد زرویی نصرآباد بود. اتفاقاً کلیپ بسیار زیبایی بود و قرار شد شبانگاه پخش شود، اما نشد.

درمجموع این‌همه نقش متفاوتی که برای بزرگسالان و کودکان در سینما، تئاتر و تلویزیون بازی کرده‌اید، فکر می‌کنید در کجای بازیگری ایستاده‌اید؟

هنوز نقطه صفر هستم (با خنده).

عکس منتخب نشنال جئوگرافیک از جنگل برفی روسیه



به گزارش جام جم آنلاین از باشگاه خبرنگاران جوان، نشنال جئوگرافیک تصویری از جنگل زیبایی تاپگا واقع در شرق روسیه را منتشر کرده است. در این تصویر مشاهده می‌کنیم که چطور برف سراسر این جنگل زیبا را پوشانده و آن را به رنگ سفید درآورده است.

ویلیام دانیلز، عکاس نشنال جئوگرافیک، این منظره را از قطار بیمارستانی ماتوی مودروف گرفته است. این بیمارستان سیار خدمات مراقبت‌های اساسی و تخصصی را ازجمله اشعه ایکس، سونوگرافی و چشم‌پزشکی در مناطق بسیار منزوی روسیه ارائه می‌دهد.

پایگاه نشنال جئوگرافیک یکی از مشهورترین وبسایت‌های منتشرکننده عکس و فیلم در حوزه طبیعت، حیات‌وحش و محیط‌زیست است که هرروز تصویری را به‌عنوان عکس روز در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارد.

زندگی در منطقه زیبای جلفا

